انترناسیونال ۷۲۰

نوید مینائی

**۱۸ تیر از ۷۸ تا امروز**

۱۸ سال پیش در چنین روزهایی جامعه ایران شاهد یک اعتراض عمومی علیه حاکمیت استبدادی بود. ۱۸ تیر ۱۳۷۸ اولین اعتراض از نوع اعتراضات عمومی ضد حکومتی در دوره حیات ننگین حاکمیت اسلامی بود. اعتراضی که به بهانه بسته شدن روزنامه سلام از کوی دانشگاه تهران شروع شد و بلافاصله به اعتراضی عمومی تبدیل شد. روزنامه سلام با مدیریت موسوی خوئینی ها به دلیل تیتری که درباره قانون مطبوعات زده بود و مدعی شده بود اصلاح این قانون پیشنهاد سعید امامی بوده، توقیف شد. دانشجویان به بهانه بسته شدن این روزنامه و در اعتراض به سرکوب آزادیها در کوی دانشگاه اعتراضاتی را سازمان دادند که به بیرون دانشگاه کشیده شد. شورای امنیت ملی به مدیریت روحانی و ریاست خاتمی، اعتراضات را تهدید علیه امنیت نظام نامیدند و برای سرکوب آن هر آنچه در توان داشتند، بکار بردند. به سپاه و بسیج و نیروی انتظامی اجازه حضور در دانشگاه و سرکوب دانشجویان را دادند و قمه کش هایشان را هم به خیابان آوردند تا مردم به جان آمده از استبداد را، سرکوب کنند.

۱۸ تیر گرچه از کوی دانشگاه شروع شد ولی به زودی اقشار مختلف مردم به آن پیوستند و آن را گسترش دادند. از جمله مشخصه های مهم اعتراضات ۱۸ تیر، حضور شجاعانه و پر رنگ زنان در آن بود. برای اولین بار بود که حکومت اسلامی بعد از ۲۰ سال سرکوب خونین با چنین چالشی مواجه می شد. جبهه آزایخواهی زنان که با سرکوب مضاعف حکومتی و اسلامی تا آن روز بیشترین فشار را روی خود داشت، به یکباره منفجر شد. زنان در خیابان ها علیه استبداد و خفقان حکومتی شعار می دادند. این، سرآغازی برای حضور شجاعانه و پر رنگ زنان در اعتراضات بعدی شد. مشخصه دوم اعتراضات ۱۸ تیر، زدن زیر برنامه های خاتمی و جبهه اصلاحات بود. معلوم شد مردم ادعای خاتمی مبنی بر دفاع از آزادی اندیشه و بیان را باور ندارند و با شعار "آزادی اندیشه با ریش پشم نمی شه” نشان دادند فریب این شارلاتان بازی را نخورده اند. و برای جامعه جهانی معلوم شد که خاتمی این سردار اصلاحات و گفتگوی تمدن ها و روحانی، با دستور سرکوب اعتراضات دانشجویان و مردم، در راس حکومتی هستند که نشانی از تمدن و مدنیت ندارد. معلوم شد که خاتمی، علیرغم عبای شکلاتیش ، ابایی از خون ریزی و سرکوب و شکنجه ندارد. ۱۸ تیر، تیر خلاصی به برنامه گفتگوی تمدن ها بود. برنامه ای که تلاش داشت وجهه بین المللی برای جمهوری اسلامی دست و پا کند و چهره متمدنی از آن نشان بدهد و بگوید که حکومت اسلامی هم، نوعی حکومت متعارف و قابل فروش به جامعه بین المللی ست.

تا سال ها بعد از ۷۸، مردم و بویژه دانشجویان، در سالگرد ۱۸ تیر، اعتراضاتی را علیه حکومت اسلامی برپا می کردند و حکومت هم با تمام توانش به مقابله و سرکوب مردم بر می خاست. نیروهای ضد شورش خیابان ها را قرق می کردند و ترتیبی می دادند تا دانشگاه ها قبل از ۱۸ تیر به تعطیلات تابستانی بروند. گرچه دیگر، از اعتراضات در سالگرد ۱۸ تیر خبری نیست اما، جامعه تجربه و توان برپایی اعتراضات عمومی را، از ۱۸ تیر به مثابه نقطه عطف جنبش سرنگونی طلبی، به ارث برد. راه های مبارزه با حکومت اسلامی را با توسل به هر بهانه ای پیدا کرد و در کنار اعتراضات کارگری و دانشجویی و زنان و معلمان و غیره، اعتراضاتی که آشکارا ضد حکومتی هستند به جزء ثابت مبارزه مردم علیه حکومت اسلامی تبدیل شد.

در ۲۳ تیر ۱۳۷۸ روحانی به سخنگویی از طرف شورای امنیت ملی و مجموعه حاکمیت، در ادامه دفاع شداد وغلاظی که از اصل ولایت فقیه کرد، اعلام کرد با معترضین به شدیدترین وجهی برخورد شده و امت اسلامی مطمئن باشند حکومت کنترل اوضاع را در دست دارد. جناب روحانی و رئیس اش خاتمی که از وحشت از دست دادن کنترل جامعه به خود لرزیده بودند به همپالکی هایشان اطمینان می دادند بر اوضاع مسلط هستند و بنا دارند جامعه را به هر قیمتی سرکوب کنند. نمایندگان "جامعه مدنی" و “رسالت” در کنار هم، به سرکوب آزادی بیان و اعتراضات به حق مردم پرداختند.

امروز همان ها که دستور سرکوب خونین ۱۸ تیر را دادند، شده اند پیشقراولان دموکراسی و تحمل منتقد و مخالف! خاتمی و روحانی که روزی دست در دست هم و زیر عبای خامنه ای، دانشگاه و مردم معترض را سرکوب کردند، امروز توسط امثال بی بی سی و رادیو فردا به عنوان منادیان دموکراسی و تکثر گرایی به جامعه معرفی می شوند. ۱۸ تیر نشان داد مردم دل در گروی هیچ جناحی از حاکمیت اسلامی ندارند و آنجا که اعتراضات شان حتی، حمایت از یک جناح می نماید، در واقع، بدنبال بهانه ای هستند تا ستون های جمهوری اسلامی را نشانه بروند.